

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منتشر شده در رسانه های چینی
نویسنده: هو شائو یوئه گوانگ
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: علی مشرف
۲۲ می ۲۰۲۵

چرا آن بزرگوار سراسر عمر از امتیازات ویژه برحذر بود؟



اندیشه امتیازطلبی، ارزش‌ها و جهان‌بینی مغایر با اندیشه خدمت به مردم است. در پس آن اغلب رفتارهای خلاف قانون و فساد و تباهی پنهان است و اگر این پدیده گسترش یابد، طبقه‌ای کاملاً جدا از توده مردم و فاسد شکل خواهد گرفت. مبارزه با امتیازات ویژه و جلوگیری از فساد، مسأله‌ای حیاتی و سرنوشت‌ساز برای کشور است. این همچنین یکی از مسائلی بود که صدر مائو، آن بزرگوار، سراسر عمر خود را وقف تفکر و نگرانی عمیق درباره آن کرد. چه در دوران جنگ‌های انقلابی و چه در دوره سازندگی سوسیالیستی، آن بزرگوار همواره از اندیشه و پدیده امتیازطلبی بیزار و نسبت به آن بشدت هوشیار بود. از یک سو، او درک عمیقی از فراز و نشیب سلسله‌های فنودالی در طول چند هزار سال تاریخ چین داشت؛ از سوی دیگر، او شناخت دست‌اولی از چرایی شکست مفتضحانه رژیم کومینتانگ داشت.

در اوایل سال ۱۹۲۴، مائو تسه تونگ سی و چند ساله به عنوان عضو علی‌البدل کمیته اجرایی مرکزی اولین کنگره ملی کومینتانگ انتخاب شد و وارد جمع ۴۱ نفره رهبری شد و همچنین به عنوان سرپرست وزارت تبلیغات کومینتانگ خدمت کرد (زیرا اعضای علی‌البدل نمی‌توانستند مناصب اصلی را عهده‌دار شوند).

او بخوبی از رفتارهای مبتنی بر امتیازات ویژه مقامات کومینتانگ پس از به دست گرفتن قدرت و همچنین از زیان‌های عمیق آن آگاه بود.

در سال ۱۹۲۶، چیانگ کائیشک با دخالت نظامی در امور حزب و با واداشتن لین سن به برگزاری کنگره مرکزی، خود را بالاتر از کنگره حزب قرار داد و مائو تسه تونگ و دیگران را از رهبری کنار گذاشت و حقوق مائو تسه تونگ را نیز توقیف کرد.

در سال ۱۹۲۷، چیانگ کائیشک با راه انداختن کشتار ضد انقلابی «۱۲ اپریل» و با تبنای با طبقه زمیندار و بورژوازی بزرگ داخلی و نیروهای امپریالیستی، یک گروه ذی‌نفع بزرگ را تشکیل داد. در مقابل، مائو تسه تونگ نیروها را به کوه‌های جینگگانگ برد و پایگاه‌های انقلابی را ایجاد کرد و شعله‌ای کوچک، آتشی بزرگ به پا کرد.

در ادامه، «قیام نانچانگ»، «قیام گوانگژو»، «پیوستن نیروهای جینگگانگ»، «مبارزه با محاصره»، «راهپیمایی طولانی ارتش سرخ»، «جنگ ضد جاپانی» و «جنگ داخلی» رخ داد.

در سال ۱۹۴۹، صدر مائو با رهبری حزب کمونیست چین به پیروزی انقلاب دست یافت و پیش از ترک شی‌بایو، به تمام حزب هوشدار داد: «ما برای امتحان دادن به بیجینگ می‌رویم و ما هرگز لی زیچنگ نخواهیم شد.»



در آن زمان، او پیش‌بینی کرده بود که برخی از مقامات عالی‌رتبه پس از تأسیس چین نوین ممکن است دچار اندیشه امتیازطلبی شده و به سوی فساد گرایش پیدا کنند.

در فبرورئ ۱۹۵۲، محاکمه و اعدام علنی لیو چینگشان، دبیر کمیته حزب در منطقه تیانجین، و جانگ زیشان، کمیسر منطقه تیانجین، به جرم اختلاس، نگرانی‌های آن زمان مائو تسه تونگ را تأیید کرد.

لیو و جانگ هر دو از کادرهای باسابقه انقلاب بودند که بیش از ۲۰ سال در جنگ‌ها شرکت کرده بودند، اما پس از به دست گرفتن مقداری قدرت، دچار غرور شدند.

چند سال پیش در تیانجین از نمایشگاه «اولین پرونده بزرگ مبارزه با فساد در چین نوین» در عمارت سنگی خانواده یانگلیوچینگ بازدید کردم و جزئیات بسیار زیادی در آنجا وجود داشت.

این دو نفر پس از متورم شدن، در همه چیز، از غذا و لباس گرفته تا مسکن و رفت‌وآمد، می‌خواستند خود را برتر از دیگران نشان دهند و بستگانشان نیز از این وضعیت بهره‌مند می‌شدند؛ با رسیدن یک نفر به مقام، اطرافیانش نیز متنعم می‌شدند.

آنها با خیالی آسوده به دنبال امتیازات ویژه بودند و برای ارضای خواسته‌های شخصی خود، دست به دستمزد کارگران، کمک‌های دولتی برای بلایای طبیعی زدند، با تاجر سودجو وارد معاملات پنهانی شدند و اموال دولتی و جمعی را اختلاس کردند...

در آن زمان، تنها در شهر بیجینگ ۶۵۰ فرد فاسد شناسایی شد و در وزارتخانه‌ها بیش از ۵۰۰ نفر وجود داشتند و گزارش‌های مربوط به پرونده‌های فساد از استان‌ها و شهرهای بزرگ سراسر کشور تکان‌دهنده بود.

اعدام لیو و جانگ، تکان شدیدی به آن دسته از کادرهای در سطوح مختلف که اراده‌شان متزلزل شده بود وارد کرد و بسیاری را نجات داد.

قدرت شمشیری دوله است؛ می‌توان از آن برای خدمت به منافع مردم استفاده کرد و می‌توان از آن برای تأمین منافع شخصی بهره برد. هر کشور، هر جامعه و هر نظام حکومتی به همین شکل است و مسأله کلیدی این است که چگونه می‌توان پدیده سوءاستفاده از قدرت برای منافع شخصی را مهار کرد؟

آن رفیق بزرگوار سراسر عمر خود را با عملش نشان داد؛ او نه تنها یک مبلغ ضد امتیازات ویژه بود، بلکه نمونه‌ای عملی از مبارزه با آن نیز بود.

در بین آن، شیائو جینگ‌گوانگ، فرمانده سپاه مستقر، برای او لباس‌های گرم زمستانی فرستاد (لباس‌های صدر مائو خیس شده بود)، اما مائو تسه تونگ قاطعانه از پذیرش آن خودداری کرد، زیرا در آن زمان سیستم سهمیه‌بندی وجود داشت؛ خشک شدن لباس‌ها مسأله‌ای جدا بود و پذیرش لباس‌های اضافی مسأله‌ای دیگر، و این یک مسأله سیستمی بود.

اگر رئیس به خاطر لباس‌های خیس‌شده اتفاقی برای خود امتیاز ویژه قائل می‌شد، آنگاه شیائو جینگ‌گوانگ و دیگران نیز می‌توانستند بیش از سهمیه، مایحتاج زندگی را به دیگران بفرستند و در مرحله بعد، تمام کادرهای میانی و ارشد می‌توانستند امتیازات ویژه داشته باشند؛ در آن صورت، آیا دیگر نظام‌ین آن معنائی داشت؟

چیانگ کای‌شک دقیقاً به همین روش نظام کومینتانگ را نابود کرد، زیرا هیچ کس نمی‌توانست به دیگری اعتراضی کند.

امتیازات ویژه چیزی اعتیادآور است، به‌ویژه در زمینه توسعه اقتصادی پرسرعت امروزی، برخی از دارندگان قدرت در برخی بخش‌ها و مقامات صاحب نفوذ در صنایع مختلف، با استفاده از امتیازات خود، شبکه‌ای از منافع را ایجاد کرده‌اند.

این هنوز تمام ماجرا نیست؛ آنها می‌خواهند امتیازات خود را به نسل بعد منتقل کنند و منابع ملی را به ملک شخصی خود تبدیل کنند.

آنها در خارج از چارچوب نظام، راه‌های میان‌بر ایجاد می‌کنند؛ در زیر نور آفتاب، پرده‌های تاریک می‌کشند. فرزندان آنها حتی ممکن است نیازی به شرکت در کنکور نداشته باشند و مستقیماً به خارج از کشور فرستاده شوند و با پول مدرکی از یکی از دانشکده‌های وابسته به دانشگاه‌های معتبر بخرند و پس از بازگشت به کشور از طریق مسیرهای طراحی‌شده به عنوان «نخبگان ویژه» شناخته شده و به سرعت مراحل ترقی را طی کرده و به افراد موفق زندگی تبدیل شوند.

همانطور که کمپیوتر من نشان می‌دهد: «سرعت بوت فعلی، شما ۹۹٪ از کاربران کشور را شکست دادید.» برخی حتی وارد صنایعی می‌شوند که با جان انسان‌ها سروکار دارند، در حالی که سطح دانش تخصصی به اصطلاح آنها، چیزی جز تأییدیه یک مقام ارشد صاحب نفوذ در آن صنعت نیست. آنها لزوماً افراد بااستعدادی نیستند، اما قطعاً نابغه هستند. آیا این همان راه میان‌بر خارج از نظام و پرده تاریک زیر نور آفتاب نیست؟



«انجام کارهایی که افراد عادی انجام نمی‌دهند و توانایی انجام کارهایی که افراد عادی قادر به انجام آن نیستند»، در اصل جمله‌ای با معنای مثبت است، اما کسانی که دارای اندیشه امتیازطلبی هستند، معنای آن را تحریف کرده‌اند. کارهایی که افراد عادی حتی نمی‌توانند تصور کنند، او از طریق جایگاه خانوادگی، سوابق و ارتباطات قدرتمند خود انجام داده است و این مسیر فقط متعلق به آنهاست.

این نه تنها توهین امتیازات ویژه به یک حرفه خاص است، بلکه تخریب عدالت اجتماعی توسط آن نیز هست. از نظر جایگاه، سابقه و خدمات، چه کسی می‌تواند با مائو تسه تونگ برابری کند؟ رفتار آن بزرگوار با بستگانش چگونه بود؟ پس از آزادی، یانگ کای‌ژی، برادر یانگ کای‌هوی، نامه‌ای به او نوشت و ابراز امیدواری کرد که بتواند شغلی در بیجینگ پیدا کند.

مائو تسه تونگ در پاسخ به این خویشاوند که در انقلاب نقش داشته و دو پسرش، مائو آن‌نینگ و مائو آن‌چینگ را نجات داده بود، نوشت و از او خواست که «از تصمیم کمیته استانی هونان اطاعت کند، هیچ انتظاری نداشته باشد، به بیجینگ نیاید و همه چیز طبق روال عادی انجام شود و دولت را دچار مشکل نکند.»

به ویژه جمله «دولت را دچار مشکل نکند» به این معناست که شما نباید با استفاده از نام من رهبران محلی را تحت فشار قرار دهید، در غیر این صورت آنها چگونه می‌توانند کار کنند؟

اگر برای شما راه میان‌بر باز کنند، مقررات نقض می‌شود؛ اگر درخواست شما را رد کنند، می‌ترسند که رئیس را ناراحت کنند.

این نشان می‌دهد که مائو تسه تونگ چه ذهن ظریف و روشنی داشت؛ از یک سو یانگ کای‌ژی را متقاعد می‌کرد و از سوی دیگر به فکر رهبران دیگر بود.

مائو تسه تونگ با سلوک خانوادگی خود، سبک حزبی را رهبری می‌کرد، خلاف آن «دوست قدیمی» که شعار «جهان برای همگان» سون یات سن را هر روز بر زبان داشت.

اگر اندیشه امتیازطلبی در میان کادرها ریشه‌دار شود، آنها کاملاً از مردم جدا خواهند شد و منافع خانواده خود را بر منافع توده مردم ترجیح خواهند داد و اساساً فراموش خواهند کرد که قدرتی که در دست دارند از کجا آمده است. گسترش و توسعه این وضعیت عواقب بسیار وخیمی خواهد داشت؛ در بهترین حالت خود را نابود می‌کنند و در بدترین حالت، درس عبرت اتحاد جماهیر شوروی پیش روی آنهاست.

در واقع، در اتحاد جماهیر شوروی آن سال‌ها، کسانی که بیش از همه مشتاق تخریب نظام و نابودی کشور بودند، همان طبقه ممتاز و فرزندان و بستگانشان بودند.

زیرا آنها از پاسخگویی و از دست دادن منفعی که به طور غیرقانونی به دست آورده بودند، می‌ترسیدند. بالاخره، شمشیری بالای سرشان آویزان بود و تنها با نابودی کشور می‌توانستند در امان باشند.

خطر این موجودات پلید در صنایع مختلف را دست کم نگیرید، زیرا آنها شبکه‌ای درهم‌تنیده از منافع دارند و عملکردشان از دزدان و اختلاس‌گران بزرگ پنهان‌تر است.

کسانی که مشتاق امتیازات ویژه هستند، از مائو تسه تونگ نیز خوششان نخواهد آمد، زیرا «خط مشی توده» که برای آن بزرگوار از همه چیز مهم‌تر بود، دقیقاً دشمن اندیشه امتیازطلبی آنهاست.

قدرت از مردم گرفته شده و برای مردم به کار گرفته می‌شود!

اگر کادرهای در سطوح مختلف بتوانند پنج کلمه «خدمت به مردم» را که آن بزرگوار فرمودند، محکم به خاطر بسپارند، در واقع خوشبختی ملت و خوشبختی کشور خواهد بود.

چین از دشواری‌های خارجی نمی‌ترسد، بلکه نفوذی‌ها در داخل کشور، درد جانکاه هستند.

تنها با زدودن پلیدی‌ها و ناپاکی‌ها می‌توان آسمانی صاف و روشن داشت!